

یکسان سازی در زمینه معاملات بیع بین المللی^۱

خسرو عباسی داکانی^۲

چکیده

کوششهای به عمل آمده برای پرهیز از سوء تفاهمها بین اشخاصی که در زمینه تجارت بین المللی فعالیت دارند به سه بخش تقسیم می شود:

الف - تهیه و تدوین مقرراتی یکنواخت با ویژگی عام حاکم بر معاملات بین المللی

ب - تهیه و تدوین فرمهای قراردادی یکنواخت اعمال شونده در مورد معاملات

بین المللی

ج - تهیه و تدوین شرایط عمومی تجاری یکنواخت قابل اعمال در معاملات

بین المللی

موضوع این تحقیق بخش اول این فعالیتها و کوششها را در برمی گیرد. تهیه و

تدوین مقررات یکنواخت با ویژگی عام در سطح تجارت بین المللی با سه منظور

صورت می گیرد:

۱. این مقاله با استفاده از مطالب مندرج در کتابهای «تفسیری بر حقوق بیع بین المللی ترجمه مهرباب داراب پور، ۱۳۷۴، انتشارات گنج دانش» و «حقوق تجارت بین الملل کلایو ام اشمیتوف ترجمه بهروز اخلاقی و دیگران، ۱۳۷۸، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها» و «حقوق بیع بین المللی با مطالعه تطبیقی - سیدحسین صفایی و همکاران - انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۴» تهیه و تنظیم شده است.

۲. دانشجوی رشته حقوق تجارت بین الملل و سردفتر اسناد رسمی شماره ۱۰۶ تهران.

الف - شرایط یکنواخت قانون به حساب آید و در روابط تجاری بین‌المللی اعمال شود.

ب - از قوت قانونی برخوردار باشد.

ج - چنانچه مورد توافق طرفین قراردادهای بین‌المللی تجاری واقع شدند در رابطه بین آنها اعمال شود.

این مقررات عام توسط سازمانهای بین‌الدولی مثل سازمان ملل متحد یا منطقه‌ای مثل اتحادیه اروپا یا غیردولتی مثل اطاق تجارت بین‌المللی تهیه شده و می‌شوند.

مبحث اول - علل و عوامل نیاز به یکسان سازی

دلایلی که نیاز به یکنواخت سازی و تدوین مقررات یکپارچه و استانداردسازی را در سطح بین‌المللی توجیه می‌کند و اهمیت آن را آشکار می‌سازد بسیار متعدد است اما در اینجا به طور نمونه به برخی از آنها اشاره می‌کنم.

۱ - توسعه روزافزون تجارت بین‌المللی و تأمین نیازهای مربوط به سرعت، سهولت

، و تقویت روابط تجاری مزبور

۲ - نیاز کشورها به پاسخگویی به شرایط ناشی از گسترش روابط حقوقی متضمن

یک عنصر بین‌المللی یا بیشتر و عدم کارایی و قابلیت اعمال مقررات داخلی و ملی در این خصوص

۳ - عدم اطلاع و شناخت طرفین معاملات بین‌المللی از قابل اعتماد بودن و اعتبار

یکدیگر

۴ - نگرانی هر یک از آنها از قصور یا امتناع دیگری از انجام تعهدات قراردادی

خود

۵ - پیش‌بینی ابزارهای خاص برای فراهم ساختن اطمینان متقابل طرفین

۶ - نوع حمل و نقل کالا از مبداء یک کشور به مقصد خریدار در کشور دیگر و

اهمیت فراوان آن

۷- مسئله پوشش دادن به ریسکهای مربوط به کالا و بیمه کردن آن در طول مسیر

انتقال کالا

۸- لزوم تنظیم قرارداد بین بانکهای داخلی و خارجی برای تأمین مالی قراردادهای

تجاری و انعقاد قراردادهای خاص فیما بین بانکها و مشتریان در قراردادهای بین‌المللی

(اعتبار اسنادی)

۹- نابرابری طرفین قراردادهای تجاری بین‌المللی و تفاوت نظام حقوقی ملی آنها

با یکدیگر

۱۰- عدم پذیرش اعمال انحصاری قواعد ملی يك کشور خاص یا کشور متبوع

يك طرف قرارداد بر روابط تجاری قراردادی فیما بین از سوی طرف دیگر

۱۱- عدم کارایی مقررات حقوق بین‌الملل خصوصی کشورها در تعیین قواعد و

مقررات حاکم بر قراردادها در عمل و براساس تجارب موجود که در اکثر موارد به

اعمال قواعد حقوق داخلی کشور مقرر دادگاه یا محل وقوع مال یا محل اجرای تعهد

می‌انجامد و نمی‌تواند جنبه بین‌المللی قرارداد را پوشش دهد.

۱۲- عرفی بودن قواعد و مقررات تجارت بین‌الملل بخصوص بیع که ناشی از

عرفهای تجاری بین‌المللی است و ضرورتاً ساخته جامعه داخلی و جزء قانون هیچ

کشوری نیست موجب شده است در طول قرون موجودیت خود را حفظ کند و

بتدریج وارد قوانین ملی و بین‌المللی شود و خود را بر اراده قانونگذاران تحمیل کند.

۱۳- ضرورت زندگی در حسن تفاهم و ارتباط بشدت محسوس به نظر می‌رسد و

عزت و انزوا تحمل ناپذیر شده است.

۱۴- در بعضی مواقع استناد به قوانین داخلی موضوعه کمتر بازرگانان را منتفع

می‌سازد تا مقررات معاهده یا يك قانون دیگر خارجی (مثل تحریم بهره در حقوق

ایران)

۱۵ - پیشرفت تکنولوژی و ارتباطات موجب شده است که نیاز به تدوین مقررات مدرن و کافی در خصوص موضوع تجارت بین‌المللی بیش از پیش احساس شود.

۱۶ - مقررات داخلی بویژه مقررات قدیمی برای قراردادهای بین‌المللی وضع نشده است.

بنابراین ملاحظه می‌شود که به دلایل بسیاری ضرورت تدوین مقررات یکنواخت و متحدالشکل در خصوص تجارت بین‌المللی احساس، و موجب می‌شود تا تلاشهای فراوان و طاقت فرسا و طولانی در این راه صورت گیرد. یکسان سازی مقررات راجع به فروشهای بین‌المللی موجب می‌شود تعیین آن دیگر برعهده سیستمهای حقوقی ملی متفاوت نباشد و این امر برای جامعه تجارت بین‌المللی ارزش بسیاری دارد و دیگر پاسخ به سئوالاتی از این قبیل که چه زمانی ایجاب و قبول نافذ می‌شود، چه زمانی تصرف، ریسک کالا یا مالکیت آن منتقل می‌شود و مسائل مشابه برعهده سیستمهای حقوقی ملی متفاوت نخواهد بود. یکسان کردن مقررات مربوط به بیع بین‌المللی خطر احتمالی تعارض قوانین را در محدوده حساس روابط تجاری بین‌المللی کاهش می‌دهد. ما در بخش بعدی تاریخچه مختصری را از تلاشهایی که در عرصه تدوین مقررات متحد الشکل درباره بیع بین‌المللی صورت گرفته است ارائه خواهیم داد.

مبحث دوم - تاریخچه کنوانسیون بیع بین‌المللی ۱۹۸۰ رم^۱

در دهه‌های اخیر تلاشهای زیادی برای تدوین قسمتهای مهمی از حقوق بین‌الملل به عمل آمده است و از همان ابتدا عنوان بیع بخش عمده‌ای از این تلاشها را به خود اختصاص داده است. تلاش برای یکنواخت سازی و متحدالشکل سازی حقوق حاکم

1. Convention on Contracts For the International Sale of Goods (UNCITRAL, Vienna C.I.S.G).

بر بیع بین‌المللی به سال ۱۹۲۹ برمی‌گردد. در این سال مؤسسه بین‌المللی برای متحدالشکل‌سازی و تدوین حقوق خصوصی UNIDROIT^۱ بنا به پیشنهاد ارنست رابل حقوقدان بزرگ آلمانی تصمیم گرفت که مطالعات ضروری مقدماتی را به عهده گیرد و کار تهیه و طراحی ماهرانه قانون متحدالشکل آینده را به کمیته‌ای واگذار کند. در سال ۱۹۳۴ این کمیته پیش‌نویس مقدماتی قانون بین‌المللی بیع بین‌المللی کالا را تقدیم مؤسسه کرد که بعد از تصویب شورای حاکم مؤسسه در سال ۱۹۳۵ همراه با گزارش توضیحی تحویل جامعه ملل شد تا نظر دولتهای عضو را راجع به آن کسب کند.^۲

پس از آنکه دولتهای عضو جامعه ملل نظرهای خود را ارائه کردند مجدداً کمیته منتخب در پرتو آراء و نظرات رسیده متن پیش‌نویس قانون فوق را اصلاح کرد و در سال ۱۹۳۹ شورای حاکم بر (UNIDROIT) نسخه جدیدی را برگزید.^۳ اما قبل از آن که موفق شود آن را به جامعه ملل تقدیم کند شعله‌های جنگ دوم جهانی دنیا را فراگرفت و این تلاشها متوقف شد، تا اینکه پس از پایان جنگ دولت هلند به فکر افتاد تا کنفرانسی را مجدداً در این باره برگزار کند.

در سال ۱۹۵۱ آن کنفرانس در شهر لاهه برگزار شد و نمایندگان ۲۰ کشور در آن شرکت کردند. پس از بررسی کلی پیش‌نویس قبلی که توسط مؤسسه یونید رویت پیشنهاد شده بود، کنفرانس کمیته ویژه‌ای را منصوب کرد تا متن آن پیش‌نویس را به صورت شایسته تری طراحی کند. کمیته ویژه دو پیش‌نویس تهیه کرد. یکی از آنها

1. International Institute For the Unification of private law (Rome).

2. League of Nations-International Institute for Unification of Private Law, La libereria di Stato, Rome 1935,79-108.

3. Unification of Law, Rome 1948 , 102-159.

پیش‌نویس قانون متحدالشکل بیع بین‌المللی پیشنهاد شده توسط مؤسسه یونیدرویت بود که توسط کمیته ویژه در سال ۱۹۵۶ براساس آراء و نظرات دولتها و سازمانهای بین‌المللی ذی‌نفع اصلاح و تهیه شد.^۱ پیش‌نویس دوم راجع به قانون متحدالشکل انعقاد قراردادهای بین‌المللی بود که توسط شورای حاکم بر مؤسسه یونیدرویت در سال ۱۹۵۸ پذیرفته شده بود که این پیش‌نویس نیز توسط کمیته ویژه اصلاح و در سال ۱۹۶۳ آماده شد.^۲

استقبالی که از این دو پیش‌نویس به عمل آمد دولت هلند را بر آن داشت که یک کنفرانس سیاسی برای پذیرش نهایی آنها برگزار کند. این کنفرانس در سال ۱۹۶۴ در لاهه برگزار شد و ۲۸ کشور در آن شرکت کردند و ۴ کشور دیگر و ۶ سازمان بین‌المللی هم ناظر به آن کنفرانس اعزام داشتند. این کنفرانس با تصویب دو کنوانسیون پایان یافت:

الف - کنوانسیون راجع به قانون متحدالشکل راجع به بیع بین‌المللی (ULIS)^۳

ب - کنوانسیون راجع به قانون متحدالشکل راجع به تشکیل قراردادهای بیع بین‌المللی (ULFC)^۴

این دو کنوانسیون در سال ۱۹۷۲ به اجرا گذاشته شد. ۹ کشور این معاهدات را پذیرفتند که به جز گامبیا و رژیم اشغالگر فلسطین بقیه عضو جامعه اقتصادی اروپا بودند. تنها اسرائیل هیچ‌قید و شرطی برای خود، براساس کنوانسیون کشورها که مجاز

1. Hague Conference Records, 1964, II,3-25.

2. Hague Conference Records, 1964, II,213.

3. Convention relating to a Uniform Law on the International Sale of Goods 1964-Hague Conference Records I,333-348 .

4. Convention Relating to a Uniform Law on the Formation of Contracts for the International Sale of Goods (منبع سابق) 1,349-354.

به این کار بودند، در نظر نگرفت. گامییا و انگلیس اجرای قانون متحدالشکل را موکول به اعلام صریح توسط طرفهای قرارداد کردند. (مطابق ماده ۵ کنوانسیون). کشورهای هلند، سان مارینو، آلمان و لوگزامبورگ اعلام کردند که آنها فقط در صورتی قوانین متحدالشکل مذکور را به اجرا خواهند گذاشت که قراردادها توسط طرفهایی منعقد شود که محل تجارت آنها در حیطه قلمروی یکی از کشورهای عضو کنوانسیون باشد (مطابق ماده ۳ کنوانسیون). همچنین کشورهای بلژیک و ایتالیا شرطی را قرارداداند که به موجب آن قوانین متحدالشکل فقط در صورتی اعمال خواهند شد که به موجب قواعد حل تعارض قوانین مندرج در کنوانسیون بین الملل خصوصی لاهه مصوب ۱۹۵۵ درباره قراردادهای بیع بین المللی ضروری و الزامی تلقی شود.

کنوانسیون اول یکسان کردن مقررات ماهوی قراردادهای بیع بین المللی، بویژه تعهدات خریدار و فروشنده، و انتقال خطرات کالا را برعهده داشت ولی کنوانسیون دوم کامل کننده کنوانسیون دوم بوده و درصدد بود که اختلافات موجود میان سیستم حقوقی کامن لا و حقوق نوشته را در زمینه ایجاب و قبول برطرف سازد.

متأسفانه تعداد کشورهایی که کنوانسیونهای ۱۹۶۴ لاهه را تصویب کردند بسیار ناچیز بود به همین علت پس از آن که کمیسیون سازمان ملل متحد درباره حقوق تجارت بین الملل (UNCITRAL)^۱ در سال ۱۹۶۶ تشکیل شد یکی از اهداف خود را در اولویت یکسان نمودن مقررات راجع به بیع بین المللی قرارداد. ^۲ در سال ۱۹۶۸ یعنی چهار سال پس از پذیرش کنوانسیونهای لاهه کمیسیون تصمیم گرفت از دبیرکل

1. United Nations Commission on International Trade Law.

2. General Assembly Resolution 2205 (XXI) of 17 December.

سازمان ملل درخواست کند که متن قوانین موضوع کنوانسیونهای متحدالشکل ۱۹۶۴ لاهه را در اختیار کلیه کشورهای عضو سازمان ملل قرار دهد و از آنها سؤال کند که آیا مایل به الحاق به آن معاهدات هستند یا خیر؟ و دلایل آنها را نیز در خصوص موضع گیری ایشان خواستار شود^۱؟

۳۶ دولت به این دعوت پاسخ دادند که از میان آنها ۱۰ کشور، از جمله آمریکا، صریحاً اعلام کردند که تمایلی به الحاق به آن کنوانسیونها ندارند و ۱۲ کشور اعلام کردند هنوز تصمیم نگرفته‌اند. و پیشنهادها و نظرهایی هم از سوی این کشورها مطرح شد.^۲

در سال ۱۹۶۸ آنسیترا ل در جلسه دوم تصمیم گرفت که يك گروه کاری تشکیل دهد تا براساس نظرها و پیشنهادهای ارائه شده توسط دولتها مشخص کند که "چه نوع تغییرات و اصلاحاتی باید در متن کنوانسیونهای مزبور صورت گیرد تا درصد پذیرش آنها در کشورهای با سیستمهای حقوقی، اقتصادی و اجتماعی مختلف افزایش یابد و آیا لازم است که متن جدیدی برای این منظور طراحی و تنظیم شود یا خیر؟"^۳

گروه تحقیق متشکل از نماینده ایران و ۱۴ کشور دیگر جمعاً ۹ جلسه برگزار کردند. تا اینکه در سال ۱۹۷۶ این گروه اصلاحیه‌های قانون متحدالشکل بیع بین‌المللی (ULIS) را با تسلیم متن پیش نویس کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا به اتمام رساند.^۴ همچنین در سال ۱۹۷۷ آن گروه متن پیش نویس کنوانسیون راجع به تشکیل قراردادهای بیع بین‌المللی کالا را براساس قانون یکنواخت راجع به انعقاد قراردادهای

1. Year book of Uncitral, I, 1968-1970,79, New york.

2. . Year book of Uncitral, I, 1968-1970,15, New york.

۳. منبع سابق، جلد ۱، ص ۹۹ - ۱۰۰.

۴. منبع سابق، جلد ۷، ص ۸۹.

بیع بین المللی کالا (ULFC) تهیه و تنظیم کرد.^۱ اما در نشست یازدهم کمیسیون تصمیم گرفت که هر دو پیش نویس را در هم ادغام کند و یک متن واحد ارائه دهد. به همین منظور کمیته‌ای را برای تهیه پیش نویس آن سند تشکیل داد.^۲ پس از تهیه آن متن، کمیسیون آن را به مجمع عمومی سازمان ملل تسلیم کرد و براساس قطعنامه شماره ۹۳/۳۳ مورخ شانزدهم دسامبر ۱۹۷۹ مجمع عمومی تصمیم گرفت تا کنفرانسی از نمایندگان تام الاختیار کشورها برگزار شود تا در مورد این پیش نویس تصمیم لازم اتخاذ شود.

کنفرانس سازمان ملل متحد در مورد قراردادهای بیع بین المللی کالا در سال ۱۹۸۰ در شهر وین تشکیل شد. نمایندگان ۶۲ کشور و ۸ سازمان بین المللی در آن شرکت کردند. عمده کارها در دو کمیته صورت گرفت. کمیته اول مأمور تدارک و تهیه مقررات ماهوی کنوانسیون شد. (مواد ۱ تا ۸۸) و کمیته دوم مسئولیت تهیه و تنظیم تبصره‌ها و مواد نهایی کنوانسیون را به عهده گرفت (مواد ۱۰ تا ۸۹). در پایان کنفرانس متون تهیه شده توسط کمیته‌ها در یک جلسه عمومی ماده به ماده به رأی گیری گذاشته شد. سپس در مورد کنوانسیون به عنوان یک مجموعه واحد رأی گیری به عمل آمد و بدون هیچ رأی مخالفی به تصویب رسید.

هر چند کنوانسیون اخیر از نظر شکلی جانشین کنوانسیونهای دوگانه ۱۹۶۴ لاهه نیست، اما روشن است که مقصود همین بوده است که جانشین آنها شود به طوری که در آینده تنها سند قانونی حاکم و قابل اعمال بر قراردادهای بیع بین المللی باشد. به

۱. منبع سابق، جلد ۹، ص ۸۳.

۲. منبع سابق، جلد ۹، ص ۱۳.

همین منظور در ماده ۹۹ کنوانسیون وین مقرر شده است که از کشورهای عضو کنوانسیونهای ۱۹۶۴ انتظار می رود که در هنگام الحاق به کنوانسیون جدید از آن کنوانسیونها صرف نظر کنند. کنوانسیون از تاریخ اول ژانویه ۱۹۸۸ قابلیت اجرا یافته است.

مبحث سوم - مشکلات موجود بر سر راه کنوانسیون وین

در رابطه با طراحی و تدوین يك کنوانسیون اولین مشکل این است که کشورهای مختلف که دارای سیستمهای گوناگون حقوقی هستند به سختی ممکن است به توافق درباره ماهیت قواعد و مقررات یکپارچه دست یابند زیرا اختلافات اساسی بسیاری در خصوص قواعد ماهوی راجع به قراردادها در سیستمهای حقوقی مختلف وجود دارد. بنابراین چاره‌ای به جز سکوت و نپرداختن به موضوعات مهم ولی مورد اختلاف وجود ندارد تا آن که حداقل بتوان در موضوعات مورد توافق به یک سند متحدالشکل دست یافت. مشکل دیگر آن است که چگونه باید مقررات مذکور را بیان کنند که فهم آن برای عموم کشورها و حقوقدانان آسان باشد.

یکی از اشکالاتی که بر کنوانسیونهای ۱۹۶۴ لاهه وارد شد این بود که از نظر حقوقدانان سیستم حقوقی کامن لا مقررات مذکور بسیار خشک و مجرد و انعطاف ناپذیر به نظر می رسید، زیرا کنوانسیونهای مزبور درست به همان سبک و ترتیبی تدوین شده بود که مجموعه‌های قوانین در کشورهای تابع نظام حقوق نوشته تدوین می شود. بنابراین در طراحی و تدوین کنوانسیون جدید سعی شد تا ایرادات مزبور برطرف شود. در نتیجه سبک طراحی کنوانسیون به نحو چشمگیری با قانون‌گذارهای داخلی تفاوت دارد.

همین امر باعث شد که امروزه یکی از مهمترین ویژگیهای کنوانسیون وین شیوایی

در بیان و سهولت درک مفاهیم آن، پیچیده نبودن و سادگی در انتخاب واژه‌ها و اصطلاحات آن و عملی و قابل اجرا بودن مقررات آن است. و لذا درک آن نه تنها برای حقوقدانان بلکه برای تجار نیز آسان و راحت است. نویسندگان کنوانسیون تا حدود زیادی موفق شدند از اصطلاحات مجرد و مفهوم‌گرایی اجتناب ورزند و بیشتر به فرموله کردن و حتی توضیح دادن ماهیت تجربی قواعد مذکور و بازکردن و بیان محتوای آن قواعد پردازند. اما کنوانسیون حاوی مقرراتی است که تنها به خاطر ایجاد مصالحه بین دیدگاه‌های متفاوت و معارض کشورهای مختلف و یا به دلیل عدم توافق به صورت مبهم و غیرصریح وضع شده است از جمله در مواد ۷، ۱۱، ۱۲، ۱۶، ۲۵ و ۳۹-۱ و ۴۳-۱ و ۴۴.

بنابراین مشکل دیگر مربوط به تفسیر صحیح کنوانسیون و مقررات آن است. با توجه به این واقعیت که کنوانسیون برآیندی از مقررات نظام‌های حقوقی مختلف و قراردادهای بین‌المللی گوناگون است و در نظر بوده است تا جایگزین کلیه مقررات و قوانین حاکم بر بیع بین‌المللی شود، بنابراین قابلیت تفسیرهای مختلفی دارد و با توجه به ماهیت خاص آن قادر به پیش‌بینی و حل کل مشکلات احتمالی نخواهد بود. بنابراین تفسیر صحیح و مناسب مقررات کنوانسیون از اهمیت بسیاری برخوردار است. اما اشکال در اینجاست که برخلاف حقوق داخلی، قوانین و اصول دیگری وجود ندارد که بتوان در صورت روبه‌رو شدن با اشکال در تعبیر و شناخت صحیح مقررات کنوانسیون را براساس آنها تفسیر کرد. در نتیجه در موارد تردید یا سکوت یا باید براساس اصول و موازین حقوق داخلی کشورها کنوانسیون را تفسیر کرد که خود موجب بروز اختلافات بزرگتر است و یا آن که راه‌حل را باید در خود کنوانسیون جستجو کرد. کنوانسیون در پاراگراف‌های ۱ و ۲ ماده ۷ روش دوم را پذیرفته است.

اگر هدف اصلی کنوانسیون یکسان‌سازی مقررات راجع به قراردادهای بیع بین‌المللی هم در تئوری و هم در عمل است بنابراین تنها پذیرش و تصویب کنوانسیون از سوی کشورهای مختلف برای تحقق این هدف کافی نیست بلکه استفاده از روشی واحد و یکنواخت در تفسیر کنوانسیون ضروری و اساسی است. یک روش عملی برای این کار تأسیس یک دادگاه بین‌المللی صالح برای تفسیر کنوانسیون و حل مشکلات ناشی از آن و ایجاد وحدت رویه در این باره است.

مبحث چهارم - بررسی و مقایسه اجمالی کنوانسیون وین با کنوانسیونهای

۱۹۶۴ لاهه

هرچند کنوانسیون وین بر مبنای قوانین یکنواخت لاهه شکل گرفته است اما از نظر شکلی و برخی جنبه‌های ماهوی با آنها تفاوت دارد. مسلماً تردیدی نیست که کنوانسیون وین نسبت به کنوانسیونهای ۱۹۶۴ لاهه حتی از جنبه ظاهری نیز پیشرفت داشته است. همین که قواعد و مقررات هر دو قانون یکنواخت راجع به تشکیل و آثار قرارداد در یک سند گنجانده شده موجب گردیده است، تا از دوباره‌نویسیها خودداری شود و از موجبات عدم رغبت کشورها کاسته شود.

کنوانسیون وین از چهار قسمت تشکیل شده است:

۱- قلمرو کنوانسیون و مقررات عمومی

۲- تشکیل قرارداد

۳- فروش کالا

۴- مقررات نهایی

قسمت دوم به ایجاب و قبول و تشکیل قرارداد مربوط می‌شود و مبتنی بر قانون یکنواخت ۱۹۶۴ راجع به تشکیل قرارداد (ULFC) است. قسمت سوم که بر مبنای

قانون یکنواخت ۱۹۶۴ درباره فروشهای بین المللی تدوین شده است متشکل از چند فصل زیر است:

۱ - مقررات عمومی

۲ - تعهدات فروشنده

۳ - تعهدات خریدار

۴ - انتقال خطر احتمالی

۵ - مقررات مشترك ناظر بر تعهدات فروشنده و خریدار

برخلاف سیستم پذیرفته شده در قانون متحدالشکل برای بیع بین المللی، دیگر جبران خسارت برای نقض قرارداد به طور جداگانه برای هر کدام از وظایف مختلف خریدار و فروشنده وضع نشده است بلکه در دو مجموعه یکجا و یکپارچه جداگانه، همان طور که ملاحظه شد، تحت عنوان تعهدات فروشنده و تعهدات خریدار درج شده است.

از لحاظ ماهوی نیز کنوانسیون وین مقررات مندرج در کنوانسیونهای مذکور را بسیار ساده ساخته است. مقررات جدید بخصوص در رابطه با مرور زمان راجع به دادن اخطار به موقع (مواد ۳۹ و ۴۴) به روشنی نیازی را که برای وضع مقررات قابل انعطافی که بتواند مشکلات خریدار را برطرف سازد آشکار ساخته و بدان پاسخ داده است.

کنوانسیون وین بسیاری از مفاهیم کنوانسیونهای قبلی را حفظ کرده است و لیکن آنها را محدودتر و مقبولتر ساخته است. به عنوان مثال کنوانسیون تمایز بین نقض اساسی و غیراساسی قراردادهای فروش را حفظ کرده است ولیکن نقض اساسی را به صورت ملموس تر تعریف می کند (ماده ۱۰ قانون یکنواخت لاهه با ماده ۲۵ کنوانسیون وین مقایسه شود). از نظر عملی معیار عینی نقض اساسی به میزان قابل توجهی آن

دسته از دعاوی را که در آنها می‌توان ابطال قرارداد فروش بین‌المللی را طبق کنوانسیون وین مورد ادعا قرار داد، محدود می‌کند.

همچنین کنوانسیون وین به خریدار حق می‌دهد که اجرای عین تعهدات، تحویل کالاهای جانشین به جای کالاهای غیرمنطبق و حتی اصلاح چنان کالاهایی را درخواست کند (ماده ۴۶) در حالی که کنوانسیون لاهه شرایط سخت‌تری را برای خریدار در خصوص مورد وضع کرده بود که گاه موجب می‌شد خریدار حق خود را برای استناد به عدم مطابقت کالا از دست بدهد (مواد ۳۳ و ۳۹ قانون لاهه)

مبحث پنجم - قلمرو یا قابلیت اعمال کنوانسیون وین

این کنوانسیون فقط شامل قراردادهای فروش کالا می‌شود که جنبه بین‌المللی دارند و قراردادهای بیع داخلی را دربر نمی‌گیرد زیرا به دلیل اختلاف زیاد قواعد حقوقی کشورها در این باره امکان توافق بر روی یک سند بین‌المللی متحدالشکل تاکنون ایجاد نشده است.

از نظر قلمرو کنوانسیون وین با کنوانسیونهای مذکور تفاوت دارد زیرا در حالی که مقصود از وضع مقررات لاهه این بود که درباره کلیه معاملات بیع بین‌المللی به اجرا گذاشته شود اما مقررات آن به کشورهای عضو این اجازه را می‌داد که اعمال مقررات آن را به آن دسته از قراردادهای بیع محدود کنند که محل تجاری یا محل سکونت عادی طرفین قرارداد در کشورهای عضو کنوانسیون باشد (ماده ۵ کنوانسیون اول). اجرای قوانین یکنواخت مذکور در صورتی میسر بود که طرفین قوانین مذکور را به عنوان قانون حاکم و قانون مناسب قرارداد انتخاب کرده باشند. همچنین محدودیتی نیز در مورد انتخاب قوانین یکنواخت وجود داشت و آن این که طرفین نمی‌توانستند با انتخاب این قوانین مقررات امری قانون مناسب را در قراردادهای خود بر مبنای اتخاذ

قوانین یکنواخت کنار بگذارند .

قوانین یکنواخت به صورت تنظیم شده نسبت به تمامی مواردی اعمال می‌شدند که در آنها طرفین قرارداد محل تجاری خود را در محدوده قلمرو دولتهای مختلفی قراردهند یا در صورتی که محل تجارت ندارند عادهً در کشورهای مختلفی سکونت کنند (بند ۱ ماده ۱ کنوانسیون اول) .

این قوانین وجود محل تجاری یا محل سکونت عادی را در قلمرو کشورهای متعاقد الزامی نمی‌دانستند و به طور خلاصه رفتار متقابل را در این خصوص ضروری و لازم نمی‌شمردند.

به هر حال هر کشور می‌توانست هنگام تصویب کنوانسیونهای مزبور اجرای کنوانسیونها را همان طور که ملاحظه شد منوط به این امر کند. ولی چنین تصمیمی موجب پیچیدگی قوانین کشور مزبور و موجب بروز دو رژیم حقوقی یکی در مورد افراد ساکن کشورهای متعاقد و دیگری در مورد افراد ساکن در سایر کشورهای خارجی می‌شد.

این در حالی است که کنوانسیون وین به صورت واقع‌گرایانه‌ای اعمال مقررات آن را به قراردادهایی محدود می‌کند که محل تجارت طرفین قرارداد در کشورهای مختلفی قرارداد که هر دوی آن کشورها عضو کنوانسیون هستند و یا مواردی که در آن قانون مناسب و مرتبط با قرارداد براساس مقررات حقوق بین‌الملل خصوصی، قانون یکی از کشورهای متعاقد است. (بند ۱ ماده ۱ کنوانسیون). بنابراین برخلاف گذشته از این پس رژیم حقوقی واحدی که همانا مقررات کنوانسیون وین است بر قراردادهای خرید و فروش بین‌المللی حاکم خواهد بود. هدف دیگر آن بوده است که مقرراتی تعبیه و حاکم شود که بیشتر و بهتر از مقررات و موازین داخلی کشورها پاسخگوی

نیازهای تجارت بین‌المللی باشد. البته استثنائاتی هم وجود دارد که بعضاً مهم نیز هست، مانند معاملات اسناد تجاری و پول، فروش سهام یا ضمانتنامه‌ها، خرید و فروش کشتیها و هواپیماها (ماده ۲)، مسأله اعتبار قراردادهای و اثر قراردادهای نسبت به مالکیت کالا (ماده ۴) و مسؤولیت فروشنده نسبت به فوت و یا آسیبهای جسمی ناشی از کالا که بر خریدار یا اشخاص ثالث وارد می‌شود (ماده ۵)

ویژگی مهم دیگر کنوانسیون وین آن است که به کشوری که درصدد عضویت در کنوانسیون است اجازه نمی‌دهد، برخلاف کنوانسیونهای لاهه، شرط کند که تنها در صورت انتخاب طرفین قرارداد، کنوانسیون را اعمال خواهد کرد (ماده ۵ کنوانسیون اول لاهه)، اما به طرفین اجازه می‌دهد که به موجب قرارداد خود، از اجرای آن صرف نظر کنند و یا از مقررات آن بکاهند و یا اثر مقررات آن را تغییر دهند (ماده ۶ کنوانسیون وین).

مبحث ششم - رابطه کنوانسیونهای لاهه و کنوانسیون وین با قوانین ملی

در حالی که به طور مشخص کنوانسیونهای لاهه کوشش داشتند تا احتمال تعارض قوانین را کاهش دهند (خصوصاً بند ۲ ماده ۷ کنوانسیون) و ماده ۲ کنوانسیون (ULIS) مقرر می‌دارد که "برای اعمال این قانون قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی باید کنار گذاشته شود، مگر آنکه خلاف آن در قانون مذکور مقرر شده باشد."

برخلاف قوانین لاهه، کنوانسیون وین به طور کلی کاربرد حقوق بین‌الملل خصوصی را در این نوع معاملات نفی نمی‌کند اما با نگاهی واقع بینانه مقرر می‌دارد (خصوصاً در بند ۲ ماده ۷) که برای پرکردن خلاءهای قانونی کنوانسیون، می‌توان به قواعد و مقررات حقوق بین‌الملل خصوصی متوسل شد.

طراحان کنوانسیون وین می‌دانستند که تدابیر اجتناب از تعارض می‌تواند

خطرهای احتمالی تعارض قوانین را کاهش دهد، اما نمی‌تواند این خطرها را به طور کامل از میان بردارد. به همین دلیل آنها کنوانسیون را با سیستمهای ملی حقوق بین‌الملل خصوصی مرتبط ساخته اند. این ارتباط به دو صورت برقرار شده است:

۱ - کنوانسیون وین مانند کنوانسیونهای لاهه کلیه موارد مربوط به قراردادهای بیع بین‌المللی را شامل نمی‌شود زیرا مقررات مربوط به برخی از مسائل مانند انتقال مالکیت در سیستمهای حقوقی مختلف آنچنان متفاوت است که نمی‌توان قاعده‌ای یکنواخت را درباره آنها تدوین و برقرار کرد. به طور مشخص کنوانسیون وین متعرض موارد و مسائل زیر نمی‌شود:

الف - شرایط ویژه تجاری برای تحویل کالا و تثبیت قیمت

ب - انتقال مالکیت کالا (بند ۵ ماده ۴)

ج - مسئولیت ناشی از کالا (ماده ۵)

د - عدم اعتبار قرارداد بر مبنای دلایل عام از قبیل تقلب، عدم اهلیت، سوء ارائه

واقعیتهای و مانند آنها

۲ - کنوانسیون حاوی ارجاعی صریح به سیستمهای ملی حقوق بین‌الملل خصوصی برای پرکردن خلأهای کنوانسیون است. بند ۲ ماده ۷ مقرر می‌دارد: «مسائل مربوط به موضوعاتی که تحت حاکمیت این کنوانسیون است و به صراحت در آن حل و فصل نشده است باید مطابق با آن اصول عامی حل و فصل شود که کنوانسیون مبتنی بر آن است و در صورت فقدان چنین اصولی باید مطابق با قانون قابل اعمال بر طبق قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی حل و فصل شود».

نمونه خوبی از ارتباط بین کنوانسیون وین با قانون ملی در حقوق امریکا فراهم شده است. کنوانسیون به صورت بخشی از حقوق فدرال ایالات متحده امریکا درآمده است

و بدین ترتیب حاکم بر مجموعه مقررات یکنواخت تجاری شده است و در ایالاتی که بدان اثر قانونی بخشیده‌اند قانون ایالتی محسوب می‌شود.^۱ به جز در مواردی که طرفین اعمال کنوانسیون را به طور کلی یا جزئی برقرارداد خود استثناء کرده باشند، یا مواردی که کنوانسیون به تنظیم مقوله‌ای خاص نپرداخته باشد. رابطه مشابهی بین کنوانسیون وین و سایر سیستمهای ملی حقوق وجود دارد و از این رو در بسیاری از موارد ضرورت دارد که قانون ملی حاکم برقرارداد بیع بین‌المللی احراز شود.

مبحث هفتم - رابطه کنوانسیون وین با کنوانسیونهای مرتبط

وضعیت مرکزی کنوانسیون وین

می‌توان گفت هدف این است که کنوانسیون وین به عنوان بخش مرکزی هماهنگ سازی بین‌المللی حقوق تجارت محسوب شود. تعدادی از کنوانسیونهای اقماری دیگر هم به آن پیوسته‌اند که هر یک درباره موضوعی تخصصی است و خودکفا هستند اما در آنها به مقررات کنوانسیون وین نیز توجه شده است.

از جمله این کنوانسیونها می‌توان به "کنوانسیون مرور زمان ملل متحد مصوب ۱۹۷۴" اشاره کرد که به وسیله کنفرانس وین ۱۹۸۰، درست در همان تاریخی که کنفرانس مزبور کنوانسیون بیع بین‌المللی را تصویب کرد، اصلاح شد تا از این طریق با کنوانسیون اخیر هماهنگ شود. همچنین "کنوانسیون لاهه درباره قانون قابل اعمال نسبت به قراردادهای بیع بین‌المللی کالاها مصوب ۱۹۸۶" و "کنوانسیون ژنو درباره نمایندگی در فروش بین‌المللی کالاها مصوب ۱۹۸۳" و دو کنوانسیون اتاوا درباره عاملیت بین‌المللی و اجاره مالی بین‌المللی مصوب ۱۹۸۸" نیز از جمله این کنوانسیونها است که به کنوانسیون وین پیوسته‌اند. در این قسمت به طور خلاصه نگاهی بر

1. Uinon Commercial Code (UCC).

کنوانسیونهای مزبور می‌اندازیم.

**الف - کنوانسیون ملل متحد درباره مدتهای مرور زمان در بیع بین‌المللی کالاها
مصوب ۱۹۷۴'**

این کنوانسیون در نیویورک به تصویب رسیده است و اولین طرح نتیجه بخش آنسترال بوده است. این کنوانسیون در سال ۱۹۸۰ در کنفرانس وین اصلاح شده است. هدف این پروتکل اصلاحی همسو کردن مقررات کنوانسیون مرور زمان با مقررات کنوانسیون وین بوده است. هدف این است که این کنوانسیون جایگزین قوانین ملی معارض شود که در آنها مدت مرور زمان بین ۶ ماه تا ۳۰ سال است. هدف اساسی کنوانسیون ایجاد يك مهلت مرور زمان یکنواخت است تا از اقامه شدن دعوا در مهلهای دوری که در آنها ادله دعوا غیرقابل اعتماد شده‌اند جلوگیری کند.

کنوانسیون مهلت اقامه دعوا را توسط خریدار یا فروشنده نسبت به قرارداد بیع بین‌المللی کالاها چهارسال تعیین کرده است (ماده ۸ کنوانسیون مرور زمان). براساس پروتکل ۱۹۸۰ محدوده اعمال کنوانسیون مرور زمان همان محدوده اعمال کنوانسیون وین است و نسبت به قراردادهای بیعی که کنوانسیون وین نسبت به آنها اعمال نمی‌شود کاربرد ندارد. اما در کنوانسیون اصلاح نشده مرور زمان محدوده کاربرد متفاوت بود. کنوانسیون حاوی مقرراتی است که دقیقاً آغاز مدت مرور زمان را که معمولاً از زمان حال شدن طلب شروع می‌شود، مشخص کرده است. همچنین زمان توقف و قطع مرور زمان و شروع دوباره آن و تمدید مرور زمان و نحوه تغییر محاسبه آن را معین می‌سازد. موارد مختلف و شرایط مختلفی که موجب آغاز یا توقف مرور زمان در قراردادهای فروش بین‌المللی می‌شود در کنوانسیون مقرر شده است.

ب - کنوانسیونهای لاهه درباره قانون قابل اعمال نسبت به بیع بین‌المللی

1. Convention on the Limitation Period in the, International Sale of Goods (UNCITRAL).

کالاها مصوب ۱۹۵۵ و ۱۹۸۶^۱ (کنوانسیونهای حقوق بین‌الملل خصوصی)

۱ - کنوانسیون اول که در سال ۱۹۵۱ به تصویب اجلاس هفتم کنفرانس لاهه درباره حقوق بین‌الملل خصوصی رسیده بود و از ماه ژوئن سال ۱۹۵۵ به اجرا درآمد برخلاف کنوانسیونهای لاهه ۱۹۶۴ راجع به بیع بین‌المللی آنچنان بلند پروازانه نبوده است و به دنبال یکسان کردن جهانی قانون بیع بین‌المللی نیز نبوده است، و این امر را پذیرفته است که با توجه به امور جاری امکان تعارض قوانین در محدوده بیع بین‌المللی را نمی‌توان رد کرد. هدف کنوانسیون آن بوده است که برای تصمیم‌گیری در مورد این که کدام قانون ملی باید در صورت تحقق اختلاف بین طرفین معاملات بیع بین‌المللی اعمال شود، قواعد یکنواختی فراهم آورد. به همین دلیل این کنوانسیون فقط يك موضوع از موضوعات حقوق بین‌الملل خصوصی را مورد توجه قرار داده است.

اصل ساده‌ای که کنوانسیون اتخاذ کرده آن است که اگر طرفین در مورد قانون قابل اعمال بر قرارداد خویش توافق نکرده باشند قانون ملی فروشنده اعمال شود، ولیکن استثنائاتی را هم می‌پذیرد. اما این موضوع موجب بروز مشکلاتی می‌شد. مشکل در اینجا، همسو کردن قوانین یکنواخت با کنوانسیون حقوق بین‌الملل خصوصی بود. این مشکل بدان نحو حل شد که دولتی که قبلاً کنوانسیون حقوق بین‌الملل خصوصی را پذیرفته است می‌تواند هنگام تصویب کنوانسیونی که متضمن قوانین یکنواخت است، اعلام کند فقط در صورتی که کنوانسیون حقوق بین‌الملل خصوصی، اعمال قوانین یکنواخت را الزامی کند، این قوانین قابل اعمال است.

اگر دولتی چنین قیدی را بپذیرد اعمال قوانین یکنواخت محدود به قراردادهایی می‌شود که بر طبق مقررات قانونی قابل اعمال در کشور فروشنده، (مقررات حقوق

1. Hague Conventions on the Law applicable to International Sales of Good, 1955, 1986.

بین‌المللی خصوصی) قوانین یکنواخت، به خودی خود همان قانون کشور فروشنده باشد یا محدود به قراردادهایی می‌شود که بر طبق انتخاب طرفین، این قوانین، قانون مناسب قرارداد هستند.

در موارد دیگری که در محدوده کنوانسیون حقوق بین‌الملل خصوصی قرار می‌گیرد، قوانین یکنواخت قابل اعمال نیست. با چنین اعلامی کنوانسیون حقوق بین‌الملل خصوصی بر قوانین یکنواخت مقدم می‌شود و دامنه اعمال قوانین اخیر بسیار محدود می‌شود. با وجود این در محدوده‌ای که هر دو قانون یکنواخت اعمال می‌شد قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی طبعاً به کناری نهاده می‌شد.

قواعد اصلی کنوانسیون اول به شرح زیر است:

۱- قرارداد فروش کالا تحت قوانین داخلی تعیین شده از سوی طرفین تنظیم می‌شود

۲- در صورت کوتاهی در تعیین قانون فوق قانون داخلی کشوری که فروشنده در آن به طور عادی اقامت دارد اعمال می‌شود.

۳- قاعده اخیر مشمول دو استثناءست:

الف- هنگامی که سفارش از دفتر یکی از شعب فروشنده دریافت شده است، قرارداد تحت قوانین داخلی کشوری که این شعبه در آن واقع شده تنظیم می‌شود.

ب- هنگامی که فروشنده یا نماینده‌اش سفارش را در کشور خریدار دریافت کرده‌اند قانون داخلی کشوری که خریدار در آن سکونت عادی دارد اعمال می‌شود.

۲- کنوانسیون دوم در سال ۱۹۸۶ به تصویب رسیده است و در نظر بوده است تا جانشین کنوانسیون اول شود.^۱ چنین تدبیری برای همسو کردن مقررات کنوانسیون

1. Convention on the Law applicable to Contracts for the International Sale of Goods (The Hague) 1986.

۱۹۵۵ با مقررات کنوانسیون وین راجع به بیع بین‌المللی ۱۹۸۰ ضروری بود. کنوانسیون لاهه بدان جهت اصلاح شده بود که قواعد و مقررات بین‌الملل خصوصی کشورها را یکسان سازد تا در مواردی که کنوانسیون وین ساکت باشد یا برای حل مشکل به قوانین قابل اعمال داخلی کشورها احاله داده باشد بتوان با توسل به مقررات این کنوانسیون مشکل را حل کرد. هرچند ممکن است از لحاظ فنی و حقوقی راه‌حلهای ارائه شده در کنوانسیون غیرمترقی و کم ارزش جلوه کند و یا از کارایی لازم برای حل نیازهای تجارت جهانی امروز برخوردار نباشند اما رسیدن به توافقی که مصالح کشورهای بسیاری را در برداشته و موجب تصویب سند واحدی شود که ضامن منافع آنها باشد از ارزش و اهمیت بسیاری برخوردار است. به موجب ماده ۲۸ این کنوانسیون از زمان اجرا خود به خود جانشین کنوانسیون قبلی می‌شود.

اصولی که کنوانسیون اخیر بر آنها استوار است عبارتند از:

- ۱- قانون داخلی منتخب طرفین بر قرارداد فروش بین‌المللی حاکم خواهد بود (مواد ۷ و ۱۵)
- ۲- در صورت فقدان چنین انتخابی قوانین داخلی کشوری که محل تجارت فروشنده در زمان انعقاد قرارداد در آن قرارداد، بر قرارداد حاکم خواهد بود. (بند ۲ ماده ۱۴)
- ۳- استثنائاً در موردی که مجموع اوضاع و احوال عمومی، برای نمونه هرگونه روابط تجاری فیما بین، به وضوح کاشف از پیوند نزدیکتر قرارداد با قانون دیگری باشد، قانون مزبور بر قرارداد حاکم خواهد بود. (بند ۳ ماده ۸)
- ۴- اعمال قانون تعیین شده توسط کنوانسیون را فقط زمانی می‌توان رد کرد که اعمال آن آشکارا مغایر با نظم عمومی باشد. (ماده ۱۸)

کنوانسیون راجع به نمایندگی در فروش بین‌المللی کالا مصوب ۱۹۸۳^۱

این کنوانسیون که توسط موسسه (UNIDROIT) تهیه شده بود، در یک کنفرانس سیاسی در تاریخ ۱۷ فوریه ۱۹۸۳ در ژنو به تصویب رسید. منظور از این کنوانسیون آن بود که تکمله‌ای بر کنوانسیون وین راجع به بیع بین‌المللی کالا باشد. این کنوانسیون در مواردی اعمال می‌شود که اصیل و طرف ثالث دارای محل‌های تجاری در کشورهای متفاوت باشند و نماینده از سوی اصیل خود دارای اختیاراتی برای انعقاد قرارداد فروش کالاها با طرف ثالث باشد. اما چنین در نظر گرفته شده است که این کنوانسیون، آن دسته از موافقتنامه‌های نمایندگی را نیز که در آنها نماینده صلاحیت پیدا می‌کند فقط مشتریان را به اصیل معرفی کند شامل شود. کنوانسیون بدون توجه به اینکه نماینده به اسم خود یا به اسم اصیل اقدام کند اعمال می‌شود. این کنوانسیون مربوط است به روابط بین اصیل و نماینده و همچنین روابط مؤثر بر طرف ثالث. (ماده ۱)

برای این کنوانسیون می‌توان سه ویژگی ذکر کرد:

الف - کنوانسیون اصل اختیارات ظاهری رامی پذیرد و مقرر می‌دارد (بند ۲ ماده ۱۴)

«در موردی که رفتار اصیل باعث می‌شود که طرف ثالث با حسن نیت و به طور معقول باور کند که نماینده دارای اختیاراتی برای اقدام از جانب اصیل است و نماینده نیز در محدوده آن اختیارات عمل می‌کند، اصیل نمی‌تواند علیه طرف ثالث فقدان اختیارات نماینده را مطرح کند.»

ب - کنوانسیون حداقل به عنوان راه حل نهایی قواعد راجع به مداخله و انتخاب را تصویب می‌کند، البته هنگامی که نماینده‌ای به طریق مناسب واجد اختیارات شده

1. Convention on Agency in the International Sale of Goods (Geneva).

است، قراردادی را به اسم خودش با طرف ثالث منعقد کرده باشد (ماده ۱۳) از این نظر کنوانسیون از حقوق انگلیس پیروی می‌کند و قواعد خشک حقوق نوشته را راجع به حق العمل کار نمی‌پذیرد.

ج - مطابق با اصل آزادی اراده طرفین که قاعده‌ای بنیادین در حقوق قراردادهای کلیه کشورها است اصیل یا نماینده‌ای که مطابق با دستور صریح یا ضمنی او عمل می‌کند، می‌تواند با طرف ثالث در مورد مستثنا کردن تمام یا برخی از مقررات کنوانسیون مزبور توافق کند. (ماده ۵).

به طور کلی کنوانسیون ترکیب ماهرانه‌ای از اصول حقوق نوشته و سیستم کامن لا در مورد نمایندگی در قراردادهای بیع بین‌المللی کالا است. امید می‌رود اجرای کنوانسیون قدمی با ارزش به سوی یکسان کردن حقوق تجارت بین‌الملل باشد.

د - کنوانسیون اتاوا درباره عاملیت بین‌المللی (International Factoring)

این کنوانسیون توسط مؤسسه «اونیدروآ» تهیه شد و در تاریخ ۲۸ ماه می ۱۹۸۸ به تصویب کنفرانس سیاسی مربوطه در شهر اتاوا رسید.

به موجب بند ج ماده ۲ این کنوانسیون در موردی اعمال می‌شود که از یک قرارداد بین‌المللی فروش کالا مطالبات قابل وصولی براساس یک قرارداد عاملیت واگذار شده ناشی شده باشد در صورتی که محل تجارت خریدار و فروشنده در کشورهای متفاوتی واقع شده باشد و:

الف - این کشورها و کشوری که محل تجارت عامل در آن است، کشورهای

متعاقد باشند؛ یا

ب - هم قرارداد فروش کالا و هم قرارداد عاملیت تابع قانون یک کشور متعاقد

باشد.

ملاحظه می شود که غرض از وضع این مقررات، هماهنگ ساختن کنوانسیون عاملیت بین المللی با کنوانسیون وین است این کنوانسیون علاوه بر قرارداد عاملیت افشا شده و افشا نشده، بر عاملیت غیرمستقیم نیز اعمال می شود^۱ از نظر این کنوانسیون، یک قرارداد عاملیت باید دارای شرایط و ویژگیهای زیر باشد (بند ۲ ماده ۱)

الف) عرضه کننده می تواند مطالبات قابل وصول ناشی از قراردادهای فروش کالا را که بین عرضه کننده و مشتریانش منعقد شده است به عامل واگذار کند یا در آینده چنین کند، به استثنای مطالباتی که مربوط به فروش کالاهایی است که ابتداءً از سوی خریداران برای استفاده شخصی، خانوادگی یا خانگی خریداری شده است.

ب) عامل باید حداقل دو مورد از کارکردهای زیر را عملی سازد:

۱- تأمین مالی برای عرضه کننده شامل دادن وام و پیش پرداخت

۲- حفظ و نگهداری حسابها (حسابداری) مرتبط با مطالبات قابل وصول

۳- وصول مطالبات قابل وصول

۴- حمایت از عرضه کننده در مقابل کوتاهی بدهکاران در بازپرداخت بدهی و عرضه کننده نیز در مقابل، ادعای راجع به قیمت خرید کالا از خریدار را به عامل واگذار می کند.

درباره اینکه آیا با وجود منع واگذاری ادعای راجع به قیمت خریدار در یک قرارداد عرضه (کالا) عرضه کننده می تواند ادعای مزبور را به عامل واگذار کند یا خیر؟ راه حلی که کنوانسیون مطرح می سازد آن است که واگذاری یک طلب قابل

۱. در عاملیت بین المللی یک مرکز تأمین مالی (Finance house) که عامل نامیده می شود، موافقت می کند که صادرکننده کالا را از بار مالی معامله صادراتی، به خصوص وصول بهای کالا از خریدار خارجی، خلاص کند تا او بتواند به کار اصلی خودش که همان فروش و بازاریابی کالا است بپردازد.

وصول به شرح فوق علی‌رغم توافق طرفین قرارداد عرضه کالا (فروشنده و خریدار) مبنی بر منع واگذاری مزبور، معتبر و نافذ است اما یک دولت متعاقد می‌تواند به وسیله توافق مقرر مذکور را بی‌اثر سازد، بدین صورت که اعلام کند اگر در زمان انعقاد قرارداد فروش کالا محل تجارتي بدهکار در کشور متعاقد مزبور باشد، مقرر مذکور اعمال نخواهد شد. (بندهای ۱ و ۲ ماده ۶).

از سوی دیگر واگذاری طلب به عامل علی‌رغم منع موجود در قرارداد عرضه بر هیچ یک از تعهدات همراه با حسن نیتی که عرضه کننده در مقابل بدهکار (خریدار) برعهده گرفته و یا بر هیچ یک از مسؤولیتهای ناشی از نقض شرط در قرارداد عرضه تأثیری نخواهد داشت (بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون)

۵- کنوانسیون اتاوا راجع به تأمین مالی برای اجاره^۱

این کنوانسیون نیز توسط مؤسسه «Unidriot» تهیه شد و در تاریخ ۲۸ ماه می ۱۹۸۸ در کنفرانس اتاوا به تصویب رسید. مطابق بند ۱ ماده ۳ کنوانسیون در صورتی به اجرا گذاشته می‌شود که محل تجارت موجر و مستأجر در کشورهای مختلفی باشد و

الف - این کشورها و همچنین کشوری که محل تجارت عرضه کننده در آن است جزء کشورهای متعاقد باشند یا

ب - موافقتنامه‌های عرضه کالا و اجاره هر دو تابع قانون یک کشور متعاقد باشند. همچنین به موجب بند ۲ ماده ۱ کنوانسیون حاکم بر قراردادی است که دارای ویژگیهای زیر باشد.

الف - مستأجر تجهیزات را مشخص کند و بدون اینکه بر روی مهارت و قضاوت

1. The Ottawa Convention on International Financial leasing.

موجر حساب کند، عرضه‌کننده را انتخاب کند.

ب - تجهیزات توسط موجر در رابطه با یک قرارداد اجاره فراهم شود که با اطلاع عرضه‌کننده بین موجر و مستأجر منعقد شده یا قرار است منعقد شود و
ج - اجاره‌بهای قابل پرداخت بر طبق قرارداد اجاره به صورتی محاسبه شود که به طور مشخصی، استهلاک کل هزینه تجهیزات یا یک بخش اساسی از آن در آن قرارداد به حساب آورده شود.

بدون توجه به اینکه مستأجر اجازه خرید تجهیزات را دارد و یا اینکه حق دارد برای یک دوره دیگر تجهیزات مزبور را در اجاره خود حفظ کند و بدون توجه به اینکه مستأجر برای این کار بهای صوری (غیرواقعی) یا اجاره‌بها می‌پردازد، به موجب بند ۳ ماده ۱، کنوانسیون اتاوا اعمال می‌شود.

کنوانسیون دو قرارداد را در از یکدیگر متمایز می‌کند.

الف - قرارداد عرضه که بین موجر و عرضه‌کننده منعقد می‌شود.

ب - قرارداد اجاره بین موجر و مستأجر (بند ۱ ماده ۱)

هدف عمده کنوانسیون اتاوا آن است که درباره تجهیزات، مسئولیت را از موجر به عرضه‌کننده منتقل کند بدین دلیل که تنها موجر در این معامله ذی‌نفع است. به استثنای مواردی که به صورت دیگری توافق شود، موجر در مقابل مستأجر مسئولیتی درباره تجهیزات و وسایل به عهده نخواهد گرفت مگر آن که خسارت، ناشی از اعتماد و اطمینان مستأجر به مهارت و قضاوت موجر باشد و یا این که موجر در انتخاب عرضه‌کننده یا تجهیزات دخالت داشته باشد.^۱

به علاوه موجر، به دلیل موجر بودن، در رابطه با فوت یا ایراد صدمه جانی به

۱. قسمت الف بند ۱ ماده ۸ کنوانسیون.

اشخاص یا ورود خسارت بر اموال که ناشی از تجهیزات مورد اجاره باشد در مقابل اشخاص ثالث مسئول نیست، هرچند ممکن است تحت عنوان دیگری به عنوان مثال به سبب مالک بودن، مسئول باشد.^۱

در مواردی که تجهیزات تحویل نمی‌شود و یا با تأخیر تحویل می‌شود و یا منطبق با کالای موضوع قرارداد عرضه و مورد توافق طرفین نیست، حقوق طرفین براساس قرارداد اجاره به شرح زیر خواهد بود:

الف - مستأجر می‌تواند تجهیزات ارسال شده را مرجوع، یا قرارداد اجاره را فسخ کند.

ب - موجر حق دارد با ارسال مجدد تجهیزات منطبق با قرارداد قصور خود را جبران کند.

ج - مستأجر می‌تواند تا جبران قصور موجر و ارسال کالا و تجهیزات منطبق با قرارداد از پرداخت اجاره‌بها خودداری کند در غیر این صورت حق خود برای ردّ تجهیزات را از دست می‌دهد.^۲

این حقوق با حقوق فروشنده و خریدار به موجب کنوانسیون وین راجع به قراردادهای فروش بین‌المللی کالا هماهنگ شده است. حقوقی که به موجب کنوانسیون اتاوا به موجر و مستأجر داده شده است لازم‌الاجراست، درست مثل آن که مستأجر توافق کرده باشد تا تجهیزات را بر طبق شرایط قرارداد عرضه از موجر خریداری کند.^۳

کنوانسیون تضمینهایی را نیز برای حمایت از موجر دربردارد. در بند ۵ ماده ۱۲

۱. قسمت ب و ج بند ۱ ماده ۸ کنوانسیون.

۲. قسمت الف و ب بند ۱ ماده ۱۲ و بند ۳ ماده ۱۲.

۳. بند ۲ و بند ۱ ماده ۱۲.

مقرر شده است «موجر مسؤول قصور ناشی از عدم تحویل یا تحویل نادرست یا خارج از موعد تجهیزات به مستأجر نخواهد بود، مگر این که آن امر ناشی از فعل یا ترک فعل موجر باشد. به علاوه به موجب قرارداد عرضه، وظیفه عرضه‌کننده در مقابل مستأجر به نحوی باید باشد که انگار مستأجر نیز یکی از طرفین قرارداد عرضه است» ولی عرضه‌کننده در رابطه با خسارت واحد، در برابر موجر و مستأجر، هر دو مسؤول نیست یعنی فقط در برابر یکی از آنها مسؤول است.^۱



۱. بند ۵ ماده ۱۲ و ماد ۱۰ کنوانسیون.